

## رفیق

رفیق رزم کبیر، خود چه استوار رفیق  
غنیمت است همه والا به وقت کار رفیق  
بود مصدر قدرت به کار زار رفیق  
بده دست صداقت به بی شمار رفیق  
بیک نهیب ز جا میکند فرار رفیق  
ضرورت است همه عزم پایدار رفیق  
فروشد مادر میهن به بانکدار رفیق  
کند سجده به آن غول شاخدار رفیق  
ز دست دشمن سفاک و حیلہ کار رفیق  
به علم پیشرو عصر سر کنیم شعار رفیق  
به سازمانی که دارد بس اعتبار رفیق  
شود به نیروی علم توده هوشیار رفیق  
نگر چه اخگری خیزد و پراز شرار رفیق  
نظام کهنه کنیم زود تار و مار رفیق  
مهار کار دهیم دست اختیار رفیق  
که خود ستائی کند ترک بار رفیق  
شود مبارز سر تیر رستگار رفیق  
بهم فشرده شوند بیشتر ز پار رفیق  
جهان کهنه شود طرد ز روزگار رفیق  
بهم شوند یکی جرعه گردد نار رفیق  
نظام نو کند آغاز چو نوبهار رفیق  
دلیل مشت قلیلی و وظیفه دار رفیق  
ز جور "پاکلین غول" برده دار رفیق  
ره دگر نبود جذری کامگار رفیق  
میان کارگران در لیل و در نهار رفیق  
کنند آدمی آزاد و با وقار رفیق  
درخت آمیت گردد پر زهار رفیق  
کند کار به میل و به افتخار رفیق  
به روز رزم بکفش تیغ آبدار رفیق  
دروغ نشانه ضعف است آشکار رفیق  
فروغ عقل پدید آرد ابتکار رفیق  
فیوض بارد و باران به لاله زار رفیق  
توان رسید به این کاینات سوار رفیق  
رفاقتی که نیایی به هیچ دیار رفیق  
نیود به شیشه افکار شان غبار رفیق  
که تا شویم بهم یاران جان نثار رفیق  
که در غیاب و حضور باشیم پاسدار رفیق  
که با ثبات قدم باشیم برده بار رفیق  
مثالی گردیم ز سر باز ماندگار رفیق  
بیا که تازه کنیم عهد شام تار رفیق  
بیا بد کار کن خود عزت و کبار رفیق  
بما درس دهد عزم صخره وار رفیق  
رفیق هم نفس و همدم راز دار رفیق

چه نعمت است که یابی انیس، یار رفیق  
درون سنگر رزم، رزم و جنگ آزادی  
رفیق همدم و هم رزم هم نفس هم خو  
میان دشمن و دوست مرز را بکن روشن  
رفیق نیمه راه درد سر کند ایجاد  
ره فراز و نشیب نبرد پر خطر است  
حذر ز چوکیدار دور و و هم پله بین  
دوسه خاین و مزدور و غابن بی شرم  
ستم کشیم و بدرد آشنا شکنجه شویم  
شعور کارگر مزدور چو رهنمون گردد  
دهیم پرورش کدر های انقلابی را  
صفوف توده ها با شعور شود روشن  
ز سازمان که کدرش تعهدی دارد  
به انقلاب که این توده ها کند آگاه  
ز جبر و از ستم آزاد سازیم انسان را  
آزیر دهیم به این جنبش نو و پویا  
ز سازمان رزمجوی انقلابی ها  
بهم دست دهند این گروه گراها زود  
ز اتحاد گروه های پیشتاز و خبیر  
اگر که کدر ها خود بوسعت جنبش  
به اتفاق همه نیرو های بالنده  
وطن که هست و بودش ربوده رهبران  
بحال زار و تباہ اندرست به فقر و فساد  
بجز مبارزه ی انقلابی ای هم رزم  
رفاقت بین ملل خود دلیل آزادیست  
چو کارگران جهان متحد شوند با هم  
جهان واحد انسانیت شکوفه کند  
به لحظه لحظه انسان با خرد پویا  
قلم بدست وی یک عالمی به شور آرد  
صداقت است به سیاست نشانه قدرت  
ز عمق عشق گرانمایه پاک انسانی  
به عصر آدم نو با وجوهی انسانی  
به ابتکار و اعجاز فکر بکر بشر  
به مارکس نگاه کن و انگلس رفیق هم رزمش  
شعور هر دو ز یک ریشه آب می خوردی  
از این رفاقت انسانی باید آموخت  
وفا بعهد کنیم وحدتی دهیم رونق  
ز وحدت نظر در هر عمل نمونه شویم  
بدون اینکه به جاه و مقام ببندیشیم  
در این رسالت کارگر به صبحگاه امید  
به انقلاب چو روفتی لوٹ استثمار  
صفا، وفا و سخا رزم انقلابی خلق  
خلاصه اینکه رفاقت صمیمیت طلبد